

علی نخستین پیشوای اسلام
بعد از رسول (ص)

تألیف: سید سیف الدین سید موسوی

سید موسوی، سیف الدین، ۱۳۰۷ -
علی نخستین پیشوای اسلام بعد از رسول (ص) / تألیف سیف الدین
سید موسوی. - قزوین: سیف الدین سید موسوی، ۱۳۸۴.
۱۹۷ ص.

ISBN: 964-06-7078-2

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیبا.
کتابنامه.

۱. علی بن ابی طالب (ع)، امام اول: ۲۳ قبل از هجرت - ۴۰ ق. - -
سرگذشتنامه. ۲. علی بن ابی طالب (ع)، امام اول: قبل از هجرت - ۴۰ ق. - -
احادیث. ۳. احادیث شیعه - قرن ۱۴. الف. عنوان.

۲۹۷/۹۵۱

BP ۳۷ / ۹۴

۱۶۴۷۸ - ۸۴ م.

کتابخانه ملی ایران

علی نخستین پیشوای اسلام بعد از رسول (ص)
نویسنده: سیف الدین سید موسوی

حروف نگاری و صفحه آرایی: درجه کتاب
چاپخانه: گوهر اندیشه

نوبت اول

نوبت چاپ: بهار ۸۵
تیراژ: ۳۰۰۰ نسخه

شابک: ۹۶۴-۰۶-۷۰۷۸-۲ ISBN: 964-06-7078-2

نشانی: قزوین - خیابان شهید انصاری (کوروش قدیم) کوچه شعبان کردی بن بست جنوبی پلاک ۱۲
تلفن ۲۲۲۵۶۳۴ ۰۲۸۱

گفتار مؤلف

بسمه تعالی - پروردگارا به من شرح صدر عطا فرما و کارهای دین و دنیای مرا بالطف خود اصلاح گردان و لکنّت و گرفتگی را از زبان من دورکن تا گفتارم نیک و کردارم نیکو باشد تا تو را بیشتر تسبیح گویم و تو ای پروردگار بر حال این بنده خود دانا و بینایی و رحیم ترین رحم کنندگان هستی و بعد اینجانب سید سیف الدین سید موسوی فرزند سید عیسی سید موسوی به شناسنامه شماره ۳۴۶ در تاریخ ۱۳۰۷/۱/۲ شمسی در سیردان مرکز بخش طارم سفلی متولد شدم پدر اینجانب از اول زندگی مشغول کسب و کار بوده و با کسی مدت دو سال در سیردان مرکز بخش طارم سفلی شریک بوده و قضایی می کردند چون پدرم می دید شریکش نسبت به حلال و حرام چندان اهمیت نمی دهد با او تصفیه حساب نموده و از شرکت با او کنار می کشد و پس از رد کردن وجوّهات پولی که از راه قضایی بدست آورده بوده به امور کشاورزی مشغول می شود و چنان پایبند نسبت به حقوق دین بود که مردم او را در سیردان و قراء منطقه طارم سفلی امین شناخته بودند و لذا اعانات خود را پیش او می گذاشتند و علاوه بر امانت داری در امور شرعی و تقسیم اموال بین وراثت و رفع گرفتاری های دیگر مردم به او مراجعه می کردند و مختصری در طب و معالجات آشنا بود و مردم جهت معالجه مریض های خود به پدرم مراجعه می کردند و تا آخر عمرش با جدیت و با اشتغال به کارهای کشاورزی عمرش را به پایان رسانید و دعوت حق را لبیک گفت و چشم از جهان فرو بست و من در سن هفت سالگی در دبستان بزرگمهر سیردان تا کلاس ششم ابتدایی خواندم و پس از اخذ گواهی نامه ششم چند سالی به کارهای کشاورزی همراه پدرم مشغول شدم و اتفاقاً در آن سال ها جنگ جهانی دوم اتفاق افتاد و مردم به سختی گرفتار شدند و از ترس بمب باران در باغ ها شب و روز

خود را می‌گذرانیدند و پس از خاتمه جنگ در سال بعد جهت تحصیل و کسب فیض به شهر زنجان همراه پدرم رفتم و در مدرسه معروف به مدرسه خانم مدت یک سال و چند ماه از دست حزب منحلۀ توده آسایش نداشتیم و در محیطی ناامن مشغول بودم و دموکرات‌ها قسمتی از کشور را اشغال کرده و حکومت دموکرات تشکیل دادند و رئیس این وحشی‌ها پیشه‌وری و معاونش غلام یحیی بود و برای خودشان اسکناس چاپ و اسکناس دولت مرکزی را تحریم کرده بودند و لذا سیردان که مرکز بخش طارم سفلی بود به تصرف آنها در آمد و عموهای ما را با جمعی دیگر دستگیر نموده و در زنجان محبوس کردند و من با دو نفر دیگر غذا و لباس به زندان می‌بردیم و لذا در اثر فشار به سختی مریض شدم و در منزل سیدابوطالب ناطق‌پور بستری شدم یک ماه مریض بودم خلاصه یک سال و چند ماه همه‌اش رنج بود و مهنت و اینجانب گرفتاری‌های آن را به نظم کشیده و در کتاب اشعارم به نام جلوه‌های اندیشه درج شده است و پس از سپری شدن حکومت دموکرات و فرار پیشه‌وری و غلام یحیی به شهر مقدس قم جهت ادامه تحصیل رفتم و مدت دو سال از محضر اساتید عظام کسب فیض می‌کردم و ادبیات عربی و علوم منطق و فقه و اصول را کسب و در درس خارج آیة‌الله بروجرودی و آیة‌الله حجت کوه‌کمری کسب فیض می‌کردم و در شهریور شمس‌ی در کنکور دانشکده علوم معقول و منقول که فعلاً به نام دانشکده الهیات است شرکت کردم و از چهارصد نفر شرکت‌کننده هشتاد نفر قبول شدند و من نفر سوم بودم و جایزه هم گرفتم در مدرسه سپهسالار که فعلاً به نام مدرسه عالی شهید مطهری می‌باشد حجره داشتم و با شهید عالیقدر دکتر سیدمحمد بهشتی و دکتر مفتح و آیة‌الله کاشانی و آیة‌الله طالقانی و دکتر باهنر که همگی با هم بودن آشنا شدم و در فعالیت‌های دینی و سیاسی با مرحوم آیة‌الله کاشانی همکاری نزدیک داشتم و مرحوم آیة‌الله کاشانی رهبریت سیاسی و مذهبی روحانیت را عهده‌دار بودند و در مبارزه با طاغوت در قسمت تبلیغاتی فدائیان اسلام با مرحوم نواب صفوی و مرحوم واحدی همکاری نزدیک داشتیم و در سال اوّل و دوّم دانشکده با نمره بالا قبول شدم و با کارنامه سال سوم دانشکده که فعلاً هم دارم در سال سوّم مشغول تحصیل شدم و یک سال به دریافت مدرک لیسانس مانده بود جریان بیست و هشت مرداد سال ۱۳۳۲ پیش آمد و در اثر خودمجبوری و عدم اطاعت محمد مصدق از مرحوم کاشانی نتیجه این شد که زاهدی که در خانه مصطفی‌خان مقدّم مخفی شده بود در هشت مرداد سال ۱۳۳۲ کودتا کرد و شاه به ایران بازگشت و آمریکا بار دیگر سلطه خود را در ایران گسترش داد و با کودتای زاهدی هم مصدق نابود شد و مبارزه ما به رهبری آیة‌الله کاشانی کان‌نمل‌یکن ماند و هم تحصیل من ناقص ماند زیرا نوکران اجنبی در تعقیب من و دیگر روحانیون

بودند و پس از سه‌ماه مخفی در منازل فامیل در تهران مجبور به فرار شدم و به سیردان محل خودمان برگشتم تا این‌که پس از چند سال خانه‌نشینی در اول سال ۱۳۳۷ به‌عنوان معلم روزمزد مشغول تدریس در دبستان شدم و چند سال بعد طاغوت در ۱۳۴۲ لوایح شش‌گانه که دیکته شده جان‌کندی رئیس‌جمهور آمریکا بود تصویب شد و توسط دکتر ارسنجانی وزیر کشاورزی وقت به مرحله اجرا رسید گرچه رهبر کبیر انقلاب امام خمینی از سال‌ها پیش مبارزه با شاه را شروع کرده بودند آشکارا پرچم ولایت فقیه را بدست گرفتند و مردم قیام کردند و طاغوت به وحشت افتاد و رهبر ما محبوس گردید و شاه به مبلغ یک میلیون تومان توسط نصیری رئیس ساواک برای امام به زندان فرستاد امام فرمود برای چه شاه این مبلغ را به من می‌دهد نصیری گفته بود که شما ساکت باشید امام فرموده بود من ده روز دیگر ده میلیون تومان به شاه می‌دهم از ایران بیرون بروم نصیری گفته بود که شما پول ندارید امام فرموده بود من یک اعلامیه صادر می‌کنم که هرکس مرا دوست دارد هر نفر یک تومان فقط بدهد سپس خود شاه به زندان رفته بود و گفته بود آقای بروجردی با من مخالفت نمی‌کرد شما چرا با من مخالفت می‌کنی امام فرموده بود آقای بروجردی حسنی است ولی من حسینیم و بالاخره مردم زندانی شدن امام را فهمیدند همگی کفن پوشیدند و فریاد مرگ بر شاه برآوردند و بدست شاه خائن در پانزده خرداد سال ۱۳۴۲ مردم بی‌گناه را به رگبار بستند و هزاران نفر کفن سرخ پوشیدند و رهبر عزیز از زندان آزاد شدند تا این‌که قانون کاپیتولاسیون در مجلس فرمایشی تصویب شد و آن اگر یک آمریکایی یک شخصیت ایران را زیر ماشین بکشد دولت ایران حق ندارد او را محاکمه کند ولی اگر یک شخصیت ایرانی یک سگ آمریکایی را زیر ماشین بکشد باید محاکمه و مجازات شود پس از تصویب این قانون امام امت آن سخنرانی کوبنده خود را در مدرسه فیضیه قم ایراد کردند و دیگر طاغوت طاقت نیاورد و لذا در شب سیزدهم آبان‌ماه سال ۱۳۳۴ نصف شب طاغوت به منزل امام در قم ریخته و امام را مظلومانه دستگیر و به ترکیه تبعید کردند و امام در تبعید رساله (تحریرالوسیله) را تصنیف نمودند که بعداً به فارسی ترجمه شده و در دسترس مردم قرار گرفت بالاخره پس از تبعید امام گزارشگران در شهر و روستا ریختند و کسی جرئت اظهارنظر نداشت حتی انسان نمی‌توانست به زن و بچه خود اعتماد نماید زیرا خیال می‌کرد که ساواک به خانه او هم نفوذ کرده است به هر حال زندگی من در آن سال‌ها به مرگ تدریجی شبیه‌تر بود تا زندگی زیرا از هر طرف در فشار بودم زیرا از یک طرف فقر و قرض زیاد مرا فلج کرده بود و لذا برای ادامه زندگی برای مردم و من سخت شد و ناچار در مهرماه سال ۱۳۵۱ به قزوین مهاجرت کردم و خانه‌ای را که با خون جگر ساخته بودم فروخته و با یازده سرعائلة در شهرستان قزوین ساکن شدم و از فقر مالی

رنج می‌بردم پس از مهاجرت به قزوین در مجالس دینی که به شدت کنترل می‌شد شرکت می‌کردم خوشبختانه مردم و روحانیت با هم بر ضد شاه متحد بودند تا این‌که یکی از روحانیون بزرگ قزوین به نام سیدعباس ابوترابی دستگیر و زندانی شد و مردم در یکی از شب‌های اهیاء در سال ۱۳۵۷ در مسجدالنبی متحصن شدیم و روحانی عزیز از زندان آزاد شد و بعداً در نمازهای وحدت شرکت می‌کردیم و من در یک شب ماه رمضان بالای منبر گفتم طاغوت خیال کرده با دستگیری روحانیون می‌تواند صدای حق‌طلبی ملت را خاموش کند زیرا مثل روحانیون گل پیچک است که اگر یک شاخه از آن قطع شود ده شاخه دیگر از کنار آن می‌روید از منبر پایین آمدم چند نفر از جوانان اطراف مرا گرفتند و مرا از در دیگر مسجد بیرون بردند مبادا مأمورین ساواک مرا دستگیر نمایند و مرا به خانه‌ام رساندند تا این‌که در راهپیمایی تاسوعا و عاشورا در ۱۳۵۷ در مقابل منبع آب قزوین مأمورین مرا شناخته و کاملاً کتک‌کاری نمودند و اگر جوان‌ها نبودند مرا می‌کشتند و در اثر همان کتک‌کاری چندروز مریض شدم و نتوانستم از خانه بیرون بیایم و رفقا به عیادت من می‌آمدند و پس از بهبودی در امور سیاسی و نماز وحدت و راهپیمایی شرکت می‌کردم تا این‌که روز ۲۶ دی ماه شاه از ایران فرار کرد و بختیار آخرین نوکر طاغوت مانع مراجعت امام به ایران شد و امام امت با استقامت و رشادت ملت (مردم) در ۱۲ بهمن سال ۱۳۵۷ به ایران بازگشت و مورد پیشواز پرشکوه ملت ایران قرار گرفت و در ۱۳۵۷/۱۱/۲۲ انقلاب به پیروزی رسید و امام امت حکومت جمهوری اسلامی ایران را به تمام جهانیان اعلام فرمودند و من تا زنده‌ام در راه تداوم انقلاب اسلامی شرکت خواهم داشت و از خداوند تبارک و تعالی توفیق بیشتر را دارم (سرباز کوچک حضرت بقیةالله عجل الله تعالی فرجه الشریف سیدسیف‌الدین سید موسوی).

مأخذ کتاب (علی نخستین پیشوای اسلام بعد از رسول ص

۱-	کتاب إصابه	مؤلف قاضی نورالله ره
۲-	کتاب استیعاب	مؤلف قاضی نورالله ره
۳-	کتاب حذیقه الشیعه	مؤلف مقدس اردبیلی ره
۴-	کتاب نفحات النّس	مؤلف عبدالرحمن جامی ره
۵-	کتاب منتهی الامال	مؤلف حاج شیخ عباس قمی ره
۶-	کتاب تتمه المنتهی	مؤلف حاج شیخ عباس قمی ره
۷-	کتاب ناسخ التّواریخ جلد خلفاء	مؤلف میرزاتقی خان لسان الملک ره
۸-	کتاب ناسخ التّواریخ جلد علی ع	مؤلف میرزاتقی خان لسان الملک ره
۹-	کتاب فصول الحکیم	مؤلف محی الدّین عربی ره
۱۰-	کتاب جوهری الدّات	مؤلف عطّار نیشابوری ره
۱۱-	کتاب فترحات	مؤلف محی الدّین عربی
۱۲-	کتاب قرب الاسناد	مؤلف علی بن الحسین بن موسی بن بابویه قمی ره
۱۳-	کتاب ارشاد شیخ مفید	مؤلف شیخ مفید علیه الرّحمه
۱۴-	کتاب منتخب التّواریخ	مؤلف حاج محمد هاشم خراسانی ره

همنی از پا نشستم یا علی

از گیاه خاک بستان توام

من ندانم چیستم یا کیستم

پایمردی کن ز لطفم دست گیر

مانده‌ام برگیر دستم یا علی

گر تبر زد وز طبعم یا علی

هرچه هستم از تو هستم یا علی

موسوی بی‌پا و دستم یا علی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ - الحمد لله رب العالمين والصلاة والسلام على محمد وآله الطاهرين ولعنة الله على أعدائهم اجمعين من الان الى يوم الدين و بعد می گوید این حقیر بی بضاعت و متمسک بذیل عنایت و شفاعت اهل بیت عصمت و طهارت و رسالت صلوات الله و سلامه علیهم اجمعین بنده حقیر سیّد سیف الدین سیّد موسوی فرزند سیّد عیسی به شناسنامه شماره ۳۴۶ متولد ۱۳۰۷/۱/۲ خورشیدی اهل سیردان طارم سفلی ساکن فعلی شهرستان قزوین و مدیر دبستان های شهرستان قزوین و کمترین سرباز امام زمان عجّل الله تعالی فرجه الشریف در کسوت مقدس روحانیت و در خدمت روحانیت می باشم (ربّ زدنی علماً والحقنی بالصالحین و غفی الله لنا ورزقنا السعادة و حسن العاقبة).

و بعد به مقتضی اخبار بسیار و احادیث بی شمار اهل بیت ختم پیغمبران ثابت و محقق گردیده است که اعظم طاعات و اشرف قربات واجب عبادات احیای دین و زنده نگاه داشتن مقام و مرتبت ائمه مسلمین و مقربان حضرت رب العالمین سلام الله علیهم و تاریخ زندگی پر افتخار آنهاست چنان که از حضرت ابا عبد الله صادق آل محمد صلوات الله و سلامه علیه و علی آبائه الکرام روایت شده است که از فضیل بتن سیار پرسیدند که آیا شیعیان ما در مجالس با یکدیگر می نشینند و آیا احادیث ما را ذکر می کنند فضیل عرض کرد بلی یابن رسول الله فدایت شوم ما شیعیان افتخار می کنیم که زبان ما به احادیث شما اهل بیت رسالت پناه گویا باشد حضرت صادق علیه السلام فرمودند که من آن مجالس را بسیار دوست دارم پس من به شما افتخار می کنم زنده نگه دارید امر ما را و دین ما را ای فضیلت طلبان دودمان ما ای فضیل خدا رحمت کند کسی را که احادیث ما را زنده نگه دارد و از یاد دادن آن به دیگران کوتاهی

نمایند و دین ما را و امر ما را رونق دهند.

این حقیر که شروع به نگارش مختصری از تاریخ زندگی مولای متقیان امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام نموده‌ام از نور ولایت حضرت امیرالمؤمنین و امام‌المستقین و یعسوب‌الدین اخ‌الرسول و زوج‌البتول علی بن ابی طالب صلوات الله و سلامه علیه و الاثمه من ولده استمداد می‌طلبم و دست تضرع و امید به طرف آستان ملائک پاسبان مقدسش دراز می‌کنم و ملتزم عنایت و هدایت و ارشاد از جانب حضرتش می‌باشم و این سه‌بیت از سروده‌های خود را به عنوان پیش‌مقدمه التماس از محضر مقدسش می‌نگارم

همتی از پا نشستم یا علی	مانده‌ام برگیر دستم یا علی
من ندانم چیستم یا کیستم	هرچه هستم از تو هستم یا علی
بایمردی کن ز لطفم دست گیر	موسوی بی‌با و دستم یا علی

به‌خاطر این بود بنده حقیر مولا علی علیه آلاف التحية و الثناء به‌نظرم رسید که در تاریخ زندگی سراسر الهی و روحانی و معنوی و مقدس و سراسر شرف و بزرگواری حضرت سیدالاولیاء و امام ازکیاء و مصباح‌الهدی امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب صلوات و سلام علیه و اله اجمعین کتابی کاملاً مختصر و به‌طریق اشاره و فهرست‌وار تألیف نمایم و به باب علم رسول اکرم صلی‌اله‌علیه‌وآله‌وسلم و مالک رد و قبول و زوج‌البتول اب الاثمه امیرالمؤمنین تقدیم دارم و به قول خود حضرت علی علیه السلام که فرمود رسول اکرم به من هزار باب از علم را آموخته است و از هر بابی هزار باب منشعب می‌شود عرض نمایم - کتاب فضل تو را آب بهر کافی نیست - که ترکیبی سرانگشت و صفحه بشمارای و لذا شروع با این امر مقدس نمودم و از خداوند متعال در انجام این امر مهم استعانت می‌جویم و از درگاه احدیتش خواستارم از امدادهای غیبی خود این حقیر را محروم نفرماید و اسم این مختصر را با کسب اجازه از ساحت مقدس علی علیه السلام (علی نخستین پیشوای اسلام بعد از رسول صلی‌اله‌علیه‌وآله‌وسلم گذاشتم).

و این کتاب مشتمل است بر ده فصل و یک خاتمه در آخر این کتاب پس از اشاره به چند مورد از معجزات و کرامات علی بن ابی طالب علیه السلام یک مدح و یک قصیده بهاریه که از سروده‌های خود حقیر می‌باشد که درباره غدیر خم و انتصاب حضرت علی امیرالمؤمنین

عليه السلام به وسایت و خلافت رسول خدا صلی الله علیه وآله و سلم سروده ام برای تیسمن و تبرک درج خواهد شد و کتاب پایان می یابد (من الله التوفيق و عليه التكلان).

www.ketab.ir